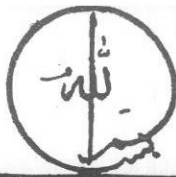


بمناسبت گرامیداشت پیروزی انقلاب اسلامی و در آستانه
۲۹ بهمن آغاز ششمین سال بنیانگذاری
« حزب شهیدان » حزب جمهوری اسلامی



حزب جمهوری اسلامی
اصفهان

سلسله گفتارهای شهید مظلوم آیت ا... بهشتی

پیرامون تشکل و تشکیلات

حزب ا... و حزب الشیطان

ما تریالیسم تاریخی و جبرمادی تاریخ معتقدند. علمداران حزب ما تریالیسم تاریخی، من و شما انسانها را با زیچه تاریخ میدانند. منوشمای مسلمان عقیده مان این طور نیست قرآن میگوید: ای انسان تویی سا زنده تاریخ و آینده، قیامت و بهشت و دوزخ هم بدست تو ساخته میشود. اگر ما نخواهیم سا زنده تاریخ باشیم مگر تک و تنها میشود بس است، ما از تاریخ چند با ربا یاد درس بگیریم؟ " **لَا يُلَدُّ الْغُلَّامُونَ مِنْ جُنْحٍ وَاجِدٍ مَرَّتَيْنِ** * " انسان مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمیشود، چند با ربا میخوانیم سرنوشت ما را دچار گزند و آسیب کنیم؟ ما با یادنیروها یما ن را متشکل کنیم. ما با یدا سا زماندهی داشته باشیم. با سا زماندهی است که میشود بهتر رهبری کرد. ما در کل جامعه یک مقام رهبری داریم که همان ولایت فقیه است که در قانون اساسی نیز آمده است. ولی وقتی رهبری ولایت فقیه تصمیم میگیرد آیا بایب سا زمانسی میشود آن تصمیمها را اجرا کرد؟ یا با سا زماندهی و تشکل؟ خوب، جواب روشن است که وقتی میخوانیم همان نقطه نظرهای رهبری و خطوط کلی که رهبری ترسیم میکند یا تصمیمات جزئی حساس فوری را که در یک مواقع حساس میگیرد یا اعلام میکند، اجرا کنیم یا یب با حوادث مقابله کرد و برای این کار به متشکل بودن سخت نیا زمیندیم منتها تشکل دو جور است. برادرها و خواهرها روی این نکته خیلی توجه کنید. تشکل دو جور است: یکی ضد خدا و ضد اسلام و یکی خدایی و اسلامی است ما اینجا با ید چشم و گوش ما ن را با ز کنیم. تشکل ضد خدایی و ضد اسلامی آن تشکلی است که عده ای دور هم جمع بشوند و بگویند آقا آدم خوب کجا پیدا میشود؟ البته در داخل ما! بیرون چطور؟ خبری نیست! آقا اندیشه خوب کجا پیدا میشود؟ اگر بخوا هی سراغش را بگیری بیا همینجا! دوروبر ماها، آن طرف تر چطور؟ نه بیرون ما دیگر خبری نیست! آقا برنامه - ریزی خوب کجا پیدا میشود؟ فقط بین ما! آن طرف چطور؟ نه آن طرفها کسی عرضه ندارد! آقا اخلاص در نیت کجا پیدا میشود و البته در جمع ما در بیرون جمع شما چطور؟ آنها همه شیطانی و اهریمنی فکر میکنند

* درس ۳۸ سفینة البحار ج ۱ بجای یُلَدُّ کلمه لَا یُلَدُّ آمده .



..... ما از روزی که انقلاب ما ن پیروز شد تفرقه داشتیم. پیش از انقلاب هم این تفرقه را داشتیم. و به خاطر همین تفرقه است که از پیش به فکر ایجاد یک تشکیلات اسلامی بودیم و مدت ها بود در صدد سا زماندهی آن بودیم و وقتی به تاخیر میافتاد احساس نگرانی میکردیم. همانطور که میدانید غیر از تشکلهای کوچک دیگر، اولین تشکل اسلامی که ما هادر آن حضور داشتیم هیئتهای موقوفه اسلامی بود که فعالترین گروه سیاسی، نظامی مخفی سالهای ۱۳۴۱ به بعد بود. در همان موقع همین جوانهای ما، همین مردم ما از قشرهای مختلف درک میکردند که باید تشکل داشت والا حوادث میآید و بر ما مسلط میشود. اگر آدم بی برنامه باشد، اگر نیروها بی تشکل باشند، اگر برنامه ریزی و رهبری مناسبی نباشد حوادث میآید و ما را این طرف و آن طرف میبرند، در حالیکه این شان انسان نیست. شان انسان این است که او مسلط بر حوادث باشد. ما در رابطه انسان با تاریخ میگوئیم، انسان بیش از آنچه ساخته تاریخ باشد سا زنده تاریخ است دید ما در فلسفه تاریخ درست در برابر دید کسانی است که به

این طرز تفکر خود شیطانی و اهریمنی است. می خواهد مال یک فرد باشد و یا یک تشکیلات، تشکل انحصار طلب و انحصار اندیش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمع باشد شیطانی از آب در می آید.

طاغوت معنایش همین است، طاغوت میگوید "من غیر من هیچ! آنوقت در برابر حق و در برابر خلق کارش بطفیان کشیده میشود ابلیس همین را میگفت. خدا به ابلیس گفت: به آدم سجده کن، ابلیس گفت:

"خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * من از آتش و او از خاک، آتش که برتر از خاک است! اگر یک حزب یا یک سازمان هم بگوید فقط "من" این راهش به دوزخ است، این راهش به زندگی شیطانی است. هر چه قدر تشکل در این زمینه قویتر باشد باطل قویتر شده است. تشکل حق کدام است؟ تشکل الهی کدام است؟

تشکل الهی آن است که نیروهای مومن به خدا، نیروهای مومن به ارزشهای عالی الهی و انسانی بگویند: متشکل می شویم تا در حد توانمان از این ارزشها دفاع کنیم و صاحبان این ارزشها در نظر ما محترم و معتبرند هر جا که باشند خواه داخل تشکیلات ما باشند خواه خارج از تشکیلات ما، این تشکیلات الهی میشود آن اولی تشکیلات شیطانی میشود و حزب الشيطان. و این حزب الله میشود. هر فرد مسلمان باید اینطور فکر کند. پس هر جمع مسلمان نیز باید اینطور فکر کند.

ارزشهای مطرح کند و بگوید آقا در مورد ارزشها باید ما سختگیر باشیم آنجا مانعی توانیم صلح کل باشیم، خیلی بد از آب در می آید اگر صلح کل باشیم ارزشها و دیدگاهها باید کاملاً مشخص بشود. سردیدگاهها نیز بحث و گفتگو میکنیم. مناظره و مباحثه و تبادل نظر هم میکنیم تا معلوم شود که دیدگاههای حق کدام است؟ همه دیدگاهها که نمیشود حق باشد به طور کلی اگر کسانی جهان بینی و بینش اجتماعی آنها این است که آقا سردیدگاهها دعواست و به اینها بگوئیم بیاید به خانقاه شریف ببرید چون آنجا جای صلح کل است!

مسلمان هر مکتب جدی برای خودش روشهایی مشخص و دیدگاههای مشخص دارد و با آن دیدگاهها می خواهد مردم را به سالنجات برساند

بر سردیدگاهها و مشخص کردن دیدگاهها باید به بحث و گفتگو بنشینیم آن هم به بحث و گفتگو، نه به کتک کاری نه به چماق و چماق کشی نه به زد و خورد، با تبادل نظر، با استدلال، خوب دقت کنید میگویم با تبادل نظر و دقت و استدلال، چون گاهی یک عده ای نیز دور هم جمع میشوند به عنوان مباحثه اما مجادله میکنند، آنهم بد است، آن هم کار را به جایی نمیرساند این اصطلاح مباحثه که ما طلبه ها داریم چه اسم قشنگی است. خیلی اصطلاح خوبی است. مایک مباحثه داریم و یو یک مجادله، مباحثه معنایش این است که من فکر کردم یک چیزهایی که به نظر من می آید افکار خوبی باشد، به شما برخورد میکنم افکار خودم را عرضه میکنم ببینم که آیا شما فکر بهتری دارید یا نه یعنی با عرضه کردن فکر بر شما دارم فکر خودم را عیار میزنم و میکاوم و جستجو میکنم ببینم آیا غیر از اینهایی که من فهمیدم چیزهای دیگری نیز پیدا میشود برای فهمیدن من در حال کاوشم، شما هم در حال کاوش هستید. شما وقتی هم حرف مرا گوش بکنید خوب گوش میکنید با دقت تا مل می کنید و رویش فکری کنید اگر دیدید حرف خوبی است میگوئید، خداوند به شما اجر بدهد که یک چیز یا یک حرف خوب به من یاد دادید. و اگر دیدید هر جای حرف من نقطه ضعف دارد در صد بر می آید که ضعفش را بیان کنید پس شما هم در حال کند و کاوید. ریشه بحث به معنی کاوش و کاویدن است و مباحثه یعنی دونفر یا چند نفر بنشینند و به کمک یکدیگر زمینه های ذهنی و عینی جهان را بکاوند تا به حقایق تازه ای برسند. این مباحثه میشود، مباحثه یعنی کاوش مشترک، عین اینکه دونفر با هم میدانند که زیرا این زمین یک چیز قیمتی است، تلاش میکنند یک بیل خاک او میریزد یک بیل خاک این میریزد. یک کلنگ او میزند، یک کلنگ این تا زودتر خاکها را آنطرفتر کنند تا ببینند زیر این زمین چیست؟ این مباحثه میشود. این چیزی سازنده و مثبت است گفتگوهای ما هم باید اینجوری باشد تا اسلامی باشد و الا اگر دونفر سه نفر، ده نفر دور هم بنشینیم و بنده شروع کنیم در هشت دقیقه حرفهای خودم را بزنم آقا نوبت شما تمام شد بسیار خوب. آن آقا هم شروع کند که حرفهای

خودش را بزنند و... و آخر کار هم پا شدیم و رفتیم! چه مباحثه‌ای؟ جدال و کوباندن حرفهای او و کوبیدن مشترک! آدم را به حق و حقیقت میرساند نمی‌رساند ما با مجادله رشد نمی‌کنیم. مجادله بد است، مباحثه خوب است. مجادله ضد ارزش است، مباحثه ارزش است. گفتگوهایمان باید آهنگ مباحثه داشته باشد. البته در اسلام جنگ هم هست قتال و کشتار هم هست. قتال و کشتار برای کسانی است که هر قدر با آنها گفتگو می‌کنیم، مباحثه می‌کنیم، نصیحت می‌کنیم، اندرز می‌دهیم، مباحثات می‌کنیم تا اینکه در برابر حق تسلیم شوند تسلیم نمی‌شوند و در برابر حق هم کارشکنی و توطئه می‌کنند، کارشکنی‌های خائنانه می‌کنند باید رفت و جلویشان را گرفت آنهم جهاد است. تازه در آن قتال و جهاد وجدال هم باید از "بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" استفاده کرد.

"أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَا دِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" * مادرین جمع خودمان چرا؟ من صریحا عرض می‌کنم در جمهوری اسلامی ما باید بنا را بر این بگذاریم که تلاش کنیم، این اکثریت جامعه ما قدرت و توان لازم را برای با هم نشستن و ایستادن و راه رفتن و به گفتگو و کارش مشترک پرداختن و به نتایج قابل قبول برای به هدف رسیدن بگذاریم. این بنای اصلی باشد. این حال و هوایی که ما الان داریم، حال و هوای مناسبی نیست. حال و هوایی که خطر سوء استفاده دشمن را روز بروز افزونتر میکند. الان در جوامع اجتماعی اینطور است که میکوشند تا انسانهای پاک و با ایمان و مخلص و مومن به انقلاب و انقلاب اسلامی و رهبری امام و ارزشهای اصیل اسلام را تهدید کنند. آنها میخواهند دعوا راه بیاندازند. خیلی هم دلشان میخواهد که دعوا به نحوی راه بیفتد که دست اول را شما بلند کنید. آن وقت خیلی بهتر بهره برداری میکنند. خوب حالا شما اگر میخواهید هوشیاری و آگاهی از خودتان نشان بدهید چه میکنید؟ در پی برنامه‌های سامان- دار و سازمان یافته رهبری شده‌ای می‌روید که این فکر شیطانی اینها را خنثی کنید. بیکار نمی‌نشینیم، حرکت می‌کنیم، بی حرکتی مرگ است

* سوره نحل آیه ۱۲۵ ای رسول، خلق را به حرکت و برهان و موعظه نیکو براه خدا دعوت کن و با اهل جسدل با بهترین طریق مناظره کن

حرکتی باید باشد اما از مجرای صحیح. ما برای همین منظور دست به تشکیل یک حزب اسلامی زدیم. حالا گویی که تا قبل از اینکه حزب اسلامی درست کنیم تحزب ارزش عالی بود، به محض اینکه حزب جمهوری اسلامی تاسیس شد حالا دیگر تحزب هم ضد ارزش شده است واقعا منطق خیلی عالی است یک با مود و هوا، تشکل شده ضد ارزش. مقالاتی نوشته میشود علیه اصل تحزب، سخنرانیهایی میشود بر ضد اصل تشکل آقا تشکل، وحدت امام و امت را بهم میزنند، وحدت امت را بهم میزنند، تفرقه ایجاد میکند، خوب بی تشکلی وحدت بوجود میآورد؟ پس این همه سالها میگفتید "ونظم امرکم" از زبان مولا علی (ع) چه بود؟ این کهنه شده نه مسئله همان مطلب اول است تحزبی که میگوید من و غیر من هیچ، بله این ضد وحدت است. این تفرقه میآورد. اگر تحزب ما پاسدار ارزشها شد و گفتند ما از این ارزشها نگهداری می‌کنیم نه از خودمان، آنها که عامل وحدت شده‌اند. یکی از مصیبت‌های عصر ما این است که اشخاص کم کم دارند جا نشین ارزشها میشوند. این خطرناک است. انقلاب ما انقلاب ارزشهاست "اعرف الحق تعرف اهلكه" * تعلیم اسلام و تعلیم مولی علی (ع) این است:

توارزشها را بشناس و اشخاص را با ارزشها بسنج، مباحثها با ید بر محور ارزشها باشد. حمایتها با ید از ارزشها باشد درود با ید بر ارزشها باشد درود بر شهیدان، این میشود درود بر ارزش. درود بر انسانهای مخلص این میشود حمایت از یک ارزش. درود بر کسانی که از بام تا شام مخلصانه برای مردم در راه رضای خدا زحمت میکشند، این میشود درود بر یک ارزش. ما باید ارزشها را بشناسیم. البته شکی نیست اشخاص را هم باید بشناسیم. اما اول ارزشها را بعد از اشخاص را نه اول اشخاص بعد از ارزشها آیا به یادمان نمی‌آید "اعرفوا منازل الرجال بالحق" منزلت مردان و انسانها را با معیار و محک حق بشناس. مبادا انقلاب ما به بیراهه کشانده شود. مبادا حرکت شما مردم عزیز با ایمان کجروی پیدا

* علی و بنون طه حسین به نقل از جاذبه و دافعه استاد شهید مطهری ص ۳۹، مالی شیخ مفید ج ۳ با کمی تفاوت نقل کرده.

کند و دچار کجروی شود. به همین دلیل بود که ما در حزب جمهوری اسلامی تلاش کردیم تا هر چه زودتر ارزشها را بصورت تفصیلی در مواضع حزب جمهوری اسلامی گردآوری کنیم. هدف ما از انتشار این مواضع این است که :

- ۱ - همه مردم رابطه شان را با این تشکیلات اسلامی بر اساس این ارزشها تنظیم کنند. کسانی که این ارزشها را قبول دارند، اینها باید حزب جمهوری اسلامی را قبول داشته باشند، میخواهند عضو آن باشند میخواهند عضو آن نباشند. اما باید آنرا قبول داشته باشند. کسانی که این ارزشها را قبول ندارند، نگویند حزب را قبول نداریم، صاف و پوست کنده بگویند آقا ما این ارزشها را قبول نداریم. ما حرفمان همین است.

میگوئیم آقا بیا ئید راست باشیم و پوست کنده حرف بزنیم.

- ۲ - ما در این " مواضع ما " موضع خودمان را در برابر گروهها گفته ایم ما آنجا گفتیم که با گروههای مسلمان معتقد فعال مخلص در خط امام رابطه برادرانه داریم. و هرگونه رابطه رشک آمیز نسبت به این گروهها را گناهی بزرگ و تباهی آور میدانیم اما با گروههای دیگر آنها را هم به سه دسته تقسیم کردیم.

- ۱ - یک دسته آنها ئیکه ضدا سلام نیستند هر چند طبق اسلام هم نیستند گفتیم اینها آزادند. ما با آنها مبارزه فکری خواهیم داشت. مواضع آنها را نقد خواهیم کرد. انتقاد خواهیم کرد و با استدلال رد خواهیم کرد.

- ۲ - یک دسته آنها ئیکه ضدا سلامند اما به روی جمهوری اسلامی شمشیر نمی کشند، آنها هم آزادیهای دارند و سخت آنها را انتقاد خواهیم کرد.

- ۳ - یک دسته آنها ئیکه ضدا سلامند و لویه نام اسلام و بر ضد جمهوری اسلامی توطئه میکنند و حتی شمشیر میکشند اینها را دولت اسلامی باید غیر قانونی اعلام کند و با آنها به عنوان یک جو غیر قانونی عمل کند. من میدانم که این مطالبی که بعدا منتشر میشود شرح و تفسیر و بحث میخواهد اما میدوار هستیم که با علاقه و همت برادرها و خواهرها جلسات بحث سازنده بر اساس این متنی که منتشر میشود در همه جا به وجود بیاید و به یاری خداوند بتوانیم روبرو به شکفتن روبرو به رشد بیشتر برویم